

کتاب و کتابخانه در دوره صفوی

دکتر محمد درخشانی^۱

رضوان دریادل^۲

چکیده

کتاب و کتابخانه‌ها نقش قابل ملاحظه‌ای در تأمین حداکثر امکانات حقیقت‌جویی، برای شاهان، حاکمان، عالمان، استادان و پژوهشگران عصر صفوی داشتند. بنابراین، این کتاب و کتابخانه‌ها بودند که با گردآوری، سازماندهی و اشاعه اطلاعات، نقش مؤثری در افزایش آگاهی و اطلاع‌رسانی ایفا می‌کردند. بررسی اسناد و مدارک موجود عصر صفوی که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی دنبال شد، مشهود ساخت نه تنها کار کتابت و استنساخ به‌عنوان یک حرفه مخصوص شهرها و مدارس به خصوصی بود؛ بلکه مطالعه کردن نیز در بین اشخاص خاصی رواج داشت. دلیل این عامل نیز حاکی از اوضاع نابسامان اقتصادی و پایین بودن سطح آگاهی آحاد مردم بود.

واژه‌گان کلیدی: کتاب، کتابخانه، کتابخانه سلطنتی، کتابخانه مدرسه، کتابخانه شخصی.

Book and library in the Safavid era

Abstract

Book and libraries had a significant role in provision of maximum facilities in truth searching for king, rulers, scholars, professors and researchers in Safavid era. Information dissemination and awareness rising took place through books and libraries. Document studying in Safavid era was followed by a descriptive way in this research showed that not only doing inscription and transcription as a profession allocated to cities and special schools, but also studying prevailed among special people. The reason was economic fragility and lack of people awareness.

Key words: Book, Library, Royal library, School library, Personal library.

۱. استادیار دانشگاه فرهنگیان خوی - سلماس. Md_108249@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تفسیر دانشگاه آتاتورک ارزروم ترکیه. Shd_a_108249@yahoo.com

مقدمه

شاه‌رگ فرهنگی جوامع بشری که از مسیر آن مهم‌ترین مواد حیات روحی یعنی، علم و دانش و کمال از گذشته‌های دور تا به امروز و تا دورترین نقاط عالم می‌رسد، چیزی به جز کتاب نیست. به هر علتی آنان که از کسب آموزش‌های سیستماتیک و نظام‌دار حکومتی به دور بوده و یا در اغنای تجارب فردی و جبران مافات گذشته تلاش دارند، راهکار رهایی از معضلات گریبان‌گیر و حصول اهداف را در گرویدن به همین اقیانوس بی‌کران یا همان کتاب جستجو می‌کنند.

به دنبال کتاب، نهاد اجتماعی کتابخانه نیز با گردآوری، سازماندهی و نگهداری دانش مدون بشری، امکان رشد اندیشه، شکوفایی استعداد و باروری ذهن خلاق انسان پویا و پژوهش‌گر را فراهم می‌کند. به این ترتیب، این نهاد کتابخانه است که دسترسی آسان به انبوه دانش آدمی را میسر ساخته و تبادل افکار را به بار می‌آورد.

توصیف شرح حال کتاب در دوره صفوی، از یک سو وصفی قابل ستایش و از سوی دیگر موجی از آلام و اندوه به همراه دارد. در این دوره با شکوه، در شهرهای «صفهان، مشهد، تبریز، قزوین» و بسیاری از نقاط دیگر، هزاران کاتب به استنساخ کتاب مشغول بوده و آثار مکتوب را برای استفاده خود یا به درخواست دیگران کتابت می‌کردند. کتاب استنساخ شده آن‌ها نیز به کتابخانه شخصی شاه، وزیر یا یک عالم و یا به کتابخانه مدرسه‌ای منتقل می‌شد.

البته استنساخ کتاب، برای عالم در دو حالت شکل می‌گرفت. یا عالم خود به نسخه برداری اهتمام می‌ورزید و یا ممکن بود با پرداخت حق‌الزحمه‌ای، کار استنساخ را به دیگری واگذارد. بنابراین، تولید و نشر کتاب در دوره صفوی، به گونه‌ای بود که کتاب به راحتی در اختیار همگان قرار نمی‌گرفت؛ علت این امر هم ناشی از کتابت کتاب به شکل دست‌نویس بوده است (شاردن، ۱۷۵: ۹۶۵/۴-۹۶۱؛ جعفریان، ۱۳۸۹: ۷۳۹/۲).

«پدر رافائل دومان» نیز معتقد بود: «ایرانیان از صنعت چاپ که علوم در پرتو آن می‌درخشند و شهرت یک مؤلف مرهون آن است، محروم هستند. نسخه‌های خطی آن‌ها دارای اشتباهات بسیاری هست که ناشی از ناآگاهی و یا هوا و هوس کاتبان است ... کتاب‌های این مردم دچار تغییر شکل و استحاله عجیبی می‌شود. چنان‌چه، اگر مؤلف کتاب خود را بعد از چند سال در جایی مشاهده کند، در اثر استحاله کتاب، به زحمت آن را باز خواهد شناخت. حال در دیار ما، در سایه صنعت چاپ، اثر مؤلف و نام او بدون خدشه برای همیشه جاودانه است. باید اعتراف کرد، و به قول خود ایرانی‌ها از حق نمی‌توان گذشت، اگر این ملت هم‌چون ما به صنعت چاپ که یکی از مواهب آسمانی است، ایمان واقعی داشته و آن را برای انتقال پیام به عامه مردم و تنظیم قرائات و تدریس و مطالعه به کار می‌بردند، یعنی همان کارهایی که معمولاً تحصیل کردگان ما انجام می‌دهند، می‌توانستند - اگر نگوییم از ما پیش بیفتند - حداقل با ما برابری کنند. زیرا که، ایرانیان از آوان کودکی تا سن پیری و

از کار افتادگی تحصیل می‌کنند. در حالی که ما، مثلاً در فرانسه، همین که تا سن ۱۸ تا ۲۰ سالگی، کمی در کلاهای درس ول خوردیم، آن هم به زور و اجبار، دیگر برای تعمیق سواد خود به تحصیل ادامه نداده و علوم را تعمیق نمی‌دهیم» (جعفریان، ۱۳۸۹: ۷۴۲/۲).

در چنین شرایطی، محدودیت کار استنساخ کتاب برای رشد دانش و حتی لطماتی که از بابت کاتبان فاقد علم و دانش بر کتاب‌ها روا می‌شد، از مشکلاتی است که سبب بی‌رونقی بازار کتاب و کتابت می‌گشت. از این رو بررسی کتاب و کتابخانه دوره صفوی که در اثر توجه پادشاهان باعث کتابت و هنرهای کتاب شده و در پی آن ایجاد کتابخانه‌های با عظمت و بی‌نظیری در نقاط مختلف ایران را سبب گردید، بار دیگر توجه عموم به کتابت را جلب کرد. بنابراین، مدارس و دارالعلم‌های فراوانی در این عصر گسترش یافت. به دنبال این حوادث، نویسندگان، متفکران، گویندگان و هنرمندان بسیاری ظهور، و زمینه برای بروز استعدادها کاملاً مساعد و آماده شد که متأسفانه بار دیگر بلای ملوک‌الطوایفی و تشت و تفرقه در کلیه شئون رکودی دوباره بر پیکره آن وارد ساخت. در هر حال، دوران صفوی دورانی بود که کتابخانه‌ها و دارالعلم‌های بسیاری ایجاد شد که مشابه این دوران را از این نظر کم‌تر در تاریخ ایران می‌توان نمود یافت. تعداد تألیفات که در طی این مدت دویست سال دوران صفوی انجام گرفته، متجاوز از سه هزار جلد است (همایون‌فرخ، ۱۳۴۷: ۱۳۳۲-۱۳۲).

اثر معجزه آسای تحوّل دوران شاه اسماعیل را در علم و ادب و هنر می‌توان در «تذکره تحفه سامی» مطالعه کرد. این کتاب به ما نشان می‌دهد که شهرهای تبریز، اصفهان، مشهد، قزوین، شیراز، کاشان و ... چگونه در مرکزیت توجه قرار گرفته و مجمع علما و محل پرورش طالبان علم شده‌اند. غیر از این کتاب، سایر آثار مرتبط با کتاب و کتابخوانی را می‌توان در اشاره‌های جست و گریخته سفرنامه‌های شاردن، تاورنیه، کمپفر، اولناریوس و تألیفات گسترده و دقیق رکن‌الدین همایون‌فرخ، فخرالدین موسوی اردبیلی و رسول جعفریان مشاهده کرد. جملگی این آثار بیانگر دانش‌های رایج، مؤلفان، استادان، محافل علمی، گرایش‌های علمی، غنای فرهنگی و میزان آگاهی جامعه و نوع فرهنگ حاکم آن عصر هستند که به عنوان هدف اصلی این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی بدان پرداخته می‌شود.

کتابخانه مقبره شیخ صفی‌الدین در اردبیل

این کتابخانه که در زمان خود بسیار ارزشمند بوده، از موقوفات شاه عباس کبیر بر مقبره شیخ صفی‌الدین در اردبیل به شمار می‌رود. «میرزا عبدالله آفندی» مؤلف کتاب «ریاض العلماء و حیات الفضلاء»، در کتاب مزبور خود به کتابخانه شیخ صفی‌الدین اشاره‌ای داشته است. برای مثال، در ضمن شرح حال «امین‌الدین طبرسی» مؤلف کتاب «مجمع البیان» می‌نویسد: «امین‌الدین کتابی

به نام «اسرار الامام» یا «اسرار الائمه» تألیف نموده است که من (افندی) یک قسمت از آن کتاب را در رشت دیدم، ولی نسخه کامل این کتاب در کتابخانه شیخ صفی‌الدین در اردبیل موجود است. باز در این کتاب، ضمن صحبت از کتاب «شرح المسائل الکلامیه» نوشته است: «آن تألیف سید عزیزالله حسینی مدرس است که در اردبیل نسخه‌ای از آن را دیدم.» در جزء اول صفحه ۵۸۶ از کتاب «دائرة المعارف الاسلامیه» هم می‌نگارد: «امروز از کتابخانه شیخ صفی‌الدین اثری پیدا نیست، حال آن‌که این کتابخانه، بزرگ‌ترین کتابخانه فارس (ایران) بوده که فرمانده روس به نام «پسکوویچ» در سال ۱۸۲۷ میلادی آن کتابخانه را به «سن پترزبرگ» (لنین‌گراد) نقل نمود.»

این کتابخانه بعد از انقراض خاندان صفوی و بروز انقلابات، متفرق گردیده ولی تا ایام سلطنت «فتحعلی شاه قاجار» و موقع جنگ با روس‌ها ۱۳۴۳-۱۳۴۰ هجری قمری، مقداری از کتب آن باقی بوده است. در همان مواقع بود که آخرین ذخیره گران‌بهای کتابخانه شیخ صفی‌الدین از بین رفت (همايون فرخ، ۱۳۴۷: ۱۰۳-۱۰۱).

تفصیل این قضیه را فخرالدین موسوی اردبیلی در کتاب «تاریخ اردبیل و دانشمندان» به تفصیل به نقل از کتاب روسی موسوم به «گریبایدوف در گرجستان و ایران» چاپ «بادکوبه» در سال ۱۹۳۰ تألیف «فتی کولیوف» و کتاب روسی معروف به «تاریخ روابط علمی شرق و اروپا و روسیه» چاپ لنین‌گراد ترجمه شده، شرح داده است. قسمتی از فهرست کتب ذکر شده این کتابخانه را که بیش از صد و چهل سال قبل به شوروی سوسیالیستی برده‌اند و توسط دانشمند محترم «پروفسور ژرژمار» اطلاع رسانی شده، بدین قرار می‌باشد:

«مطلع خصوص الکلم فی معانی فصوص الحکم به زبان عربی در فلسفه اسلامی تألیف محمد بن علی، اسماء الحسنی به زبان عربی تألیف سلطانعلی مشهدی، اسناد مناجات خمس به عربی، صحیفه کامله تألیف عبدالله بن عمر به عربی، طوابع الانوار و مطالع الانظار، الاشارات و التنبيهات، شواکل الحور فی شرح هیا کل النور، کتاب الکناس معروف به کتاب الفاخر تألیف محمد زکریای رازی، الجامع الکبیر معروف به الحاوی تألیف یحیی بن سعید هذلی، مرقعات، (اسم این کتاب در صفحه ۳۳۰ سه بار ذکر شده است. احتمال آن می‌رود که از این کتاب سه نسخه باشد) مرقعات، روضه عین القضاء همدانی، کتاب علم تألیف غزالی، لویح جامی، تحفه شاهی، مرقعات، مقاله خواجه انصاری، مقاله خواجه انصاری ایضا، کیمیای سعادت غزالی، تاریخ طبری به فارسی، تاریخ طبری به فارسی ایضاً، فردوس التواریخ، روضه الصفا میرخواند در یازده جلد، خلاصه الخبر فی بیان احوال الخیار تألیف خوارزمیه، حبیب السیر، جواهر الخبر بولاق، جامع التواریخ رشیدالدین، ظفرنامه تیموری، ظفرنامه تیموری ایضاً، مطلع السعدین و مجمع البحرین عبدالرزاق سمرقندی، صفة الصفا لابن البزاز اردبیل در حالات شیخ صفی‌الدین، بیاض مکالمه شاه طهماسب با ایلچیان، تاریخ شرفنامه، تاریخ الدائر کالدرد و الجواهر، روضات الجنات فی سیره النبی و الال و اصحاب، مجمع الانساب، احسن الکبار فی معرفه الائمه الاطهار تألیف محمد بن زیاد عربشاه حسین، احسن الکبار

جلد دوم، خلاصه اشعار و زبدة الافکار، مجموعه شعرا، خمسة نظامی، دیوان اشعار، شاهنامه چهار نسخه، دیوان انوری، دیوان جامی، دیوان اشعار متفرقه، خسرو و شیرین، انتخاب حدیقه سنائی، دیوان خاقانی، دیوان صفی، دیوان عطار، دیوان صفی (دوبار ذکر شده است)، گلستان سعدی، کلمات، نظامی گنجوی متعدد، انتخاب دیوان خسرو و شیرین، خسرو خان و ویرانی، ترجیع بند جامی، دیوان امیر حسین دهلوی، زادالمسافرین، دیوان خواجه، دیوان ابن یمین، کتاب مهر و نستری تألیف عصار متعدد، کلیات عمادالملک والدین فقیه کرمانی، دیوان حافظ شیرازی، کلیات حکیم نظامی، دیوان کاتبی، غزلیات شاهی، کتب سبعة جامی، تحفة الابرار در سه جلد، سبحة الاحرار شعر، سلسله الذهب اشعار فارسی، چهل حدیث جامی، دیوان اشعار، کوی و چوگان شیخ سعدی، ثمرنامه هاتفی جامی متعدد، شاهنامه هاتفی، منظر نظامی، مرثیه، دیوان بابا فغانی، دیوان آصفی، رساله ملا سلطان علی، قصائد و اشعار، آثار المظفر، شاهنامه شاه اسماعیل، شاه درویش هلالی، کلیات اهلی شیرازی، عقائد شاهی، کتاب مهر، کلیات اهلی شیرازی (دو بار ذکر شده است)، عماد فقیه، دیوان مانی، حسن و دل، نزهة العاشقین، مرزبان نامه، ترجمه الشده بعد الفرج، مرقعات، مرقعات و دوا این مختلفه، نظم و نثر ترکی، کلیات نوائی، خمسة علی شیر نوائی، دیوان نوائی متعدد، (۱۰۹ اثر)»

در هر صورت امروزه جز اوراق زیادی که شاید معادل یک خروار باشد، چیزی از کتابخانه شیخ صفی الدین در اردبیل باقی نمانده است» (موسوی اردبیلی، ۱۳۴۷: ۳۳۲-۳۲۷؛ صفری، ۱۳۷۱: ۲۵۵-۲۵۱).

کتابخانه شاه اسماعیل در تبریز

هنگامی که «سلطان حسین بایقرا» در سال ۹۱۱ ه. ق. درگذشت، فرزندانش بر سر قدرت نزاع کردند. بدین ترتیب، در خراسان آشوب و نابسامانی فزونی یافت. از طرف دیگر، «شیبانیان» که از مدت‌ها پیش در ماوراءالنهر صاحب قدرت شده بودند، عزم تصرف هرات را کردند. شیبانی خان^۱ هرات را در سال ۹۱۳ ه. ق. به تسلط خود درآورد. «بدیع الزمان میرزا»، فرزند سلطان حسین بایقرا نیز به ناچار به شاه اسماعیل در غرب ایران پناهنده شد. در نتیجه شیبانی خان فرصت را مغتنم شمرده و شماری از هنرمندان و کتب نفیس کتابخانه‌های هرات را به بخارا منتقل کرد. بعضی معتقدند که «بهباد» جز این گروه از هنرمندان بود که بعدها به هرات بازگشت.

پس از این واقعه، شاه اسماعیل در سال ۹۱۶ ه. ق. به هرات لشکر کشید و شیبانی خان را شکست داده و به هلاکت رساند. وی تعدادی از هنرمندان از جمله بهباد، آقا میرک اصفهانی، حاجی محمد، قاسم علی چهره‌گشا، منصور (میر مصور) و فرزند او میر سیدعلی را با خود به تبریز آورد. بدین گونه،

۳- شیبک خان ازبک، بنیانگذار خاندان پادشاهی شیبانی (شیبانیان) ازبکان بود. نام و نسب او محمد شاهبخت خان بود که به محمد شیبانی، شاهی بیگ خان، شیبانی خان و شاهبخت خان نیز مشهور بوده است.

کتابخانه سلطنتی تبریز با آمیزه‌ای از کتب نفیس دوره ترکمانان و تیموریان و نواحی دیگر شکل گرفت.

شاه اسماعیل در ۲۷ جمادی الاول سال ۹۲۸ ه.ق. طی فرمانی به نام بهزاد صادر، و ریاست و کلانتری کتابخانه همایونی تبریز را به مسئولیت او سپرد. در حقیقت، بهزاد نخستین رئیس کتابخانه همایونی صفویان برشمرده می‌شود. در این فرمان، پس از مقدمه‌ای مفصل که آکنده از اصطلاحات نگارگری و تذهیب و کلاً کتاب آرایی است، بهزاد را «مشمول الطاف خسروانه و اعطاف پادشاهانه ساخته» و «منصب استیفاء و کلانتری مردم همایونی و کاتبان و نقاشان و مذهبیان و جدول کشان و حلّ کاران و زرکوبان و لاجورد شویان و سایر جماعتی را که به امور مذکوره منسوب باشند، در ممالک محروسه» به او واگذار کرده است. هم‌چنین، در این فرمان از امیران و وزیران و نواب درگاه و ایلچیان بارگاه و مباشران امور سلطانی و متصدیان مهمام دیوانی به طور اعم و اهالی کتابخانه همایونی و جماعت یاد شده به طور اخص، خواسته شده تا «استاد مشارالیه را مستوفی و متعهد کلانتری دانسته و کارهای کتابخانه را به استیفاء و برآورد او رسانند و آن چه او برآورد کند، به مهر و ثبت، که در باب ضبط و ربط امور کتابخانه همایونی گوید، عدول و تجاوز نمایند و آن چه از لوازم مذکور است، مخصوص بدو شناسند.»

از این‌ها گذشته، از خود بهزاد هم خواسته شده تا «صورت امانت و چهره دیانت را بر لوح خاطر و صفحه ضمیر منیر مصور و مرتسم گرداند و طریق راستی پیشه کند و از میل و مدهانه (چابلوسی) پرهیز نماید و از جاده صدق و صواب منحرف نشود.»

در این سند نیز، هم‌چون سند کلانتری، خواجه نصیرالدین محمد، تمامی هنرمندان مشغول در کتابخانه سلطنتی و کلاً مشغول در امور اجرایی کتابخانه تحت مسئولیت بهزاد قرار گرفته، و از تمامی صاحبان امور لشکری و کشوری خواسته شده تا او را در کارهای مربوطه یاری دهند. نکته جالب توجه این‌که، هم در سند متعلق به خواجه نصیرالدین محمد مذهب، و هم در این سند، بر لزوم رعایت امانت و رعایت تقوا و دیانت در امور تأکید می‌شود. این‌که از جاده صدق و صواب خارج نشوند.

طبیعی است که بخش هنری کتابخانه، مسئول کتابت و تذهیب تمامی فرامین و مناشیر (فرمان‌های پادشاهی) سلطانیات، دیوانیات و گاهی نیز اخوانیات بوده است. افرادی که در این دایره مشغول کار می‌شدند، می‌باید از افراد معتمد و موثق بوده باشند تا هیچ‌گونه سوء استفاده از اسباب و لوازم موجود در کتابخانه از جمله مهرهای شاهی و سلطنتی نمایند. از این رو، تدوین و تقوا و صدق و صفا از صفاتی بود که رؤسای کتابخانه سلطنتی می‌بایست مُتَحَلّی (آراسته شده) بدان باشند تا از جاده راستی و درستی خارج نشوند. چنان‌که در دوره شاه طهماسب چنین اتفاقی رخ داد. بعضی از کارکنان کتابخانه که از هنرمندان بودند، مانند «خواجه عبدالعزیز» از شاگردان بهزاد و

کارکنان کتابخانه همایونی با «مولانا علی اصغر کاشی»، پدر آقا رضا، مَهر شاهی را تقلید کردند که بدان سبب به دستور شاه گوش و بینی آن‌ها بریده شد. از دوران ریاست بهزاد بر کتابخانه سلطنتی، تنها یک سند «عرضه داشت» باقی است که طی آن، بهزاد از شاه صفوی که ظاهراً می‌باید شاه طهماسب بوده باشد، هزینه‌های تهیه مایحتاج «تاریخ حضرت شاهی» را عهده‌دار بوده است. بهزاد در این سند از «ضعف بدن» صحبت می‌کند که نتوانسته به موقع «به ملازمت نواب» برسد و برای گرفتن مبلغ مزبور «پروانه و نشان» درست کند. بعید به نظر نمی‌رسد که شاه طهماسب، به سبب خست (فرو مایگی، خساست) و زراندوزی ذاتی که داشته، در پرداخت مستمری و هزینه‌های کتابخانه تعمداً تعلل نمی‌ورزید. به این دلیل، بهزاد وادار به نوشتن چنین «عرضه داشتی» شده است.

شاید هم یکی از دلایل حمایت نکردن او از اصحاب کتابخانه، در سال‌های پایانی سلطنت خود، که از هم پاشیدگی امور کتابخانه را به ارمغان آورد، همین خست ذاتی او بوده باشد. به هر تقدیر، در سند کلاتری، بهزاد بر کتابخانه همایونی چیزی از روابط کتابداری و کتابخانه و جریان کار هنرمندان و مخصوصاً آموزش آن‌ها گفته نشده است (همایون فرخ، ۱۳۴۷: ۱۳۳؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۴۷: ۳۷۹-۳۷۸؛ سیوری، ۱۳۷۲: ۱۲۶-۱۲۵؛ اژند، ۱۳۹۱: ۹۱-۸۹).

کتابخانه شاه طهماسب در تبریز

شاه طهماسب در نزد نقاشانی مانند «مانی نقاش، مظفرعلی و حیدرعلی» نقاشی را آموخته بود. وی خط ثلث و نسخ را هم نزد «محبی‌الدین شیرازی» و «شاه محمود نیشابوری» مشق کرده بود. او به کتاب علاقه فراوان داشت. به این علت «دارالصنایع» تبریز را گسترش داد. کتابخانه شاه طهماسب روز به روز در اثر توجه غنی‌تر می‌گردید تا جایی که در شمار معظم‌ترین کتابخانه‌های هنری جهان درآمد. شاه محمود نیشابوری، مدت‌ها کتابدار کتابخانه شاه طهماسب بود و برای کتابخانه شاهی نسخه برداری می‌کرد. محبی‌الدین شیرازی نیز که از خوش‌نویسان نامی ایران است، زمانی کتابدار کتابخانه شاه طهماسب بوده است. «امیر نظام‌الدین اسکوئی» هم مدتی سمت کتابداری کتابخانه شاهی را داشته است (سامی، ۱۳۸۹: ۵۸؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۴۷: ۳۷۹).

کتابخانه ابراهیم میرزا صفوی

او پسر بهرام میرزا فرزند شاه اسماعیل صفوی و ضمناً داماد شاه طهماسب بود. ابراهیم میرزا از شاهزادگان هنر دوست صفوی است که مدت‌ها از طرف شاه طهماسب حکمران خراسان بوده و دربارش مجمع دانشمندان و هنرمندان آن زمان به شمار می‌آمد. وی کتابخانه مجللی فراهم آورد و از وجود هنروران و خطاطان نامی امثال: «شیخ محمد شیرازی، علی اصغر کاشی، عبدالله شیرازی و ...» برای تولید آثار هنری بهره‌مند شد. این شاهزاده هنر دوست به جمع‌آوری آثار نفیس و مرقعات

و خطوط استادان خط اهتمامی خاص داشت و به نوشته گلستان هنر، اثر خطی «حاج احمد میر منشی قمی»، یکی از مرقعاتش محتوی خطوط نادر و کمیاب از مشاهیر خوش‌نویسان ایران و نقاشی‌هایی از نقاشان نامی چون «بهزاد، میر سیدعلی، قاسم‌علی و حیدرعلی و مظفرعلی» و مانند آن‌ها بوده است که همان زمان می‌گفته‌اند بهای آن با خراج مملکتی برابری می‌کند!

قریب به سه چهار هزار جلد کتاب از هرچه خواستی در کتابخانه عالی نواب میرزایی حاضر بود که در فن و سلیقه انشا، عدیل (مثل، مانده، همتا) و نظیر نداشتند. از جمله این کتاب‌ها، کتاب «هفت اورنگ جامی» متعلق به گالری هنری «فریر واشنگتن» به شماره ۱۲۴۶ را می‌توان ذکر کرد.

سلطان ابراهیم میرزا در موسیقی نیز دست داشت و در این فن شاگرد «مولانا قاسم قانونی» بود. خط نستعلیق را بسیار خوش می‌نوشته و در نقاشی نیز چیره دست بوده است. خلاصه‌التواریخ می‌نویسد: تذکره سودمندی به نام فرهنگ ابراهیمی تألیف کرده بود که «سفینه خوشگو» بر اساس آن تنظیم یافته است. ابراهیم میرزا شعر می‌گفت و «جاهی» تخلص می‌کرد.

در این کتابخانه، «عیسی تبریزی» شاگرد «میرعلی هروی»، کتابدار کتابخانه ابراهیم میرزا بود. متأسفانه همسرش جواهرات و نفیسه‌ها را خرد کرده و تمام کتاب‌ها و مرقعات^۱ شوهر را آتش زده و سوزانید.

این شاهزاده در زمان شاه اسماعیل دوم به قزوین آمد و مدتی سمت مهربرداری سلطنتی و ایشک آقاسی با او بود. در روز شنبه پنجم ذی‌الحجه سال ۹۸۴ ه. ق. چون به کتابخانه و آثار نفیسیش چشم طمع دوخته بودند، او را «شمخال خان» کشت؛ و چون همسرش دانست به خاطر اموال نفیسی که او فراهم آورده بود به جانش سوء قصد شده، کتاب‌ها و مرقعات نفیس را در حیاط خانه جمع آورده و آتش زد تا به دست قاتلان همسرش نیفتد. خود او نیز از غم مرگ جانگداز ابراهیم میرزا چند روز پس از آن در گذشت. کتابخانه سلطان ابراهیم میرزا یکی از کتابخانه‌های بسیار غنی و از نظر نسخه‌های هنری بی‌مانند بود که متأسفانه در آتش جهل و آز سوخت!! (همايون فرخ، ۱۳۴۷: ۱۳۳-۱۳۵؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۴۷: ۳۳۹؛ آژند، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۵).

کتابخانه سام میرزا فرزند شاه اسماعیل اول

سام میرزا فرزند شاه اسماعیل اول و از شاهزادگان فاضل و فضیلت پرور صفوی است. «تذکره تحفه سامی» بهترین معرف اوست که یکی از آثار ارجمند زبان فارسی است. او مردی شایسته و متدین بود. دربار وی مجمع فضلا و نویسندگان بوده و به‌طوری که خود در تحفه سامی متذکر است، نویسندگان و خوش‌نویسان به نامی مانند: «شوقی یزدی، لسانی شاعر، خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید، قاضی احمد غفاری مؤلف تاریخ در کتابخانه و دیوان او به خدمت اشتغال داشته‌اند. او در خوش‌نویسی شاگرد شهاب‌الدین عبدالله مروارید بوده است. این شاهزاده در اواخر عمر در قلعه

۴- مرقع به مجموعه‌ای متصل به هم از قطعات مختلف هنری شامل انواع آثار خوش‌نویسی و نقاشی گفته می‌شود.

«قهقهه» تحت نظر بود و با اولادش در آنجا می‌زیست و به تألیف مشغول بود. کتابخانه او نیز در این قلعه قرار داشت که به سال ۹۷۵ ه.ق. زلزله‌ای شدید قلعه را در هم کوبید و سام میرزا که با سلطان احمد و سلطان فرخ پسران القاس میرزا در اطاقی مشغول صحبت بودند، در زیر آوار قرار گرفت و بدین سان جان به جان آفرین سپردند (سامی، ۱۳۸۹: ۲-۳؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۴۷: ۳۸۰).

کتابخانه ظهرالدین بهرام

این شاهزاده نیز به تبعیت از پدر و برادر نامدار خود (شاه طهماسب)، شیفته هنر و ادب بود. مدت‌ها حکومت هرات را داشت و در آنجا کتابخانه‌ای قابل توجه فراهم آورد. مرگ او به سال ۹۵۶ ه.ق. اتفاق افتاد. بعد از وی، فرزندش «بدیع الزمان میرزا» جانشین او شد. بدیع الزمان نیز مانند پدرش بسیار فضل دوست بود. او سرانجام به فرمان شاه اسماعیل دوم در بحبوحه جوانی شهید شد (لب‌التواریخ، ۱۳۸۶؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۴۷: ۳۸۰).

کتابخانه شاه محمد خدابنده

شاه محمد خدابنده به هنر و کتاب علاقه داشت و بدین خاطر در قزوین کتابخانه بزرگی فراهم آورد که تصدی آن را خواجه «عبدالعزیز» نقاش، شاگرد بهزاد به عهده داشت. در کتابخانه او شاه قلی، عبدالصمد، میر سیدعلی و مظفرعلی کار می‌کردند (همایون فرخ، ۱۳۴۷: ۱۳۶/۲).

کتابخانه شاه عباس اول (کبیر)

شاه عباس بزرگ به تبعیت از شاه اسماعیل و شاه طهماسب و شاه محمد خدابنده و همچنین محیطی که آن‌ها به وجود آورده بودند، به هنر و کتاب علاقه وافر داشت، چنان که گویی این ذوق و شوق با خون و روح او عجین شده بود.

با این‌که وارث کتابخانه نفیس شاه طهماسب و شاه محمد خدابنده بود، معذالک این شاه عباس کبیر بود که در تکمیل و افزایش این گنجینه‌های هنر و ادب به جان کوشید و برای تأمین این نظر «دارالصنایع» تبریز را به اصفهان منتقل کرد. او کوشید تا خوش‌نویسان و مصوران و مذهبیان و جلدسازان و زرافشانان و حل‌کاران را برای خلق آثار هنری در اصفهان گرد آورد.

شاه عباس با نقاشی آشنائی داشت و خودش نیز نقاشی می‌کرد. به خط خوش عشق ورزیده و از دیدار آن بی‌نهایت لذت می‌برد. از همین رهگذر است که در دوران او خوش‌نویسان عالی قدری ظهور کردند و خط ثلث، نستعلیق و نسخ در اوج زیبایی و کمال نوشته شد. علاوه بر آن، اعتلای هنر کتاب سازی در دوران او تا به آنجا رسید که کثرت مشاهیر این فنون و هنر، «قاضی احمد بن میر منشی ابراهیمی قمی» را به تألیف «تذکره گلستان هنر» که به معرفی این دسته از هنرمندان دوران شاه عباس بزرگ اختصاص دارد، واداشت.

دانشمندان و مشاهیر چون به عشق و علاقه شاه به کتابت آگاه بودند، آثار برجسته و نفیسی را که به دست می‌آوردند، به شاه عباس تقدیم می‌داشتند. برای نمونه از نخستین برگ کتابی که شیخ

بهائی به شاه عباس تقدیم داشته و شاه عباس به خط خود مطالبی نوشته است، یا کتاب‌های نفیسی که «امام قلی‌خان فرمانروای فارس» تقدیم او کردند، می‌توان اشاره کرد.

شاه عباس دو بار از کتاب‌های کتابخانه خود به دو کتابخانه معظم عصر، یکی «کتابخانه آستان قدس رضوی» و دیگری «آستانه شاه صفی» وقف کرد. از جمله کتاب‌هایی که از کتابخانه شاه عباس بزرگ وقف آستانه شاه صفی شده بوده و خوشبختانه اینک در موزه ایران باستان از آن‌ها نگهداری می‌شود، می‌توان از نسخه نفیس «خلاصه‌التواریخ» میر منشی قاضی میر احمد خراسانی (قمی) یاد کرد. این کتاب در تاریخ ۹۷۷ ه. ق. به کتابخانه شاه عباس وارد شد و در تاریخ ۱۰۱۷ ه. ق. وقف آستانه شاه صفی گردیده است. یا از دیوان‌های: «خاقانی - شاه اسماعیل صفوی خطائی، طالب آملی، عصمت بخارائی، امیر علی شیر نوائی» و کتاب‌های «پنج گنج نظامی، ذخیره خوارزمشاهی، روضه‌الصفاء، شاهنامه فردوسی - شاهنامه قاسمی کنابادی» که فتوحات شاه اسماعیل صفوی را به نظم آورده بوده است، نام برد. (همایون فرخ، ۱۳۴۷: ۱۳۸/۲ - ۱۳۶ و ۱۳۴-۱۲۴).

کتابخانه شاه صفی اول

شاه صفی نیز همانند نیاکان خود به جمع‌آوری کتاب علاقه داشته است. کتاب‌های بسیاری متعلق به کتابخانه شاه صفی در کتابخانه‌های خصوصی وجود دارد. از جمله «دیوان شاپور تهرانی» مورخ ۹۲۷ ه. ق. متعلق به کتابخانه شاه صفی است (همایون فرخ، ۱۳۴۷: ۱۴۱؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۴۷: ۳۸۰).

کتابخانه شاه صفی ثانی (شاه سلیمان صفوی)

کتابخانه او نیز یکی از کتابخانه‌های مهم ایران بوده است؛ زیرا، پانزده هزار جلد کتاب دست‌نویس و نزدیک به پانصد کتاب آلمانی، فرانسوی و هلندی داشته است.

شاردن درباره کتابخانه شاه صفی می‌نویسد: «... در کنار عمارت شاه، تالاری وجود دارد که به تالار طویل شاه معروف است. در این تالار، چندین اتاق بزرگ تعبیه شده است. در اتاقی از این تالار، کتابخانه شاهی جای داده شده است. ریاست کتابخانه، برعهده میرزا مقیم کتابدار محول است.

کتاب‌های کتابخانه شاهی پانزده هزار جلد و بیش‌تر کتاب‌هایش به زبان فارسی، عربی و ترکی است. در این کتابخانه دو صندوق هم از کتاب‌ها به زبان اروپایی است. یکی از صندوق‌ها، هفتاد و شش جلد کتاب دارد. صندوق دوم، محتوی کتاب‌هایی است که پس از تصرف هرمز از طرف سپاهیان شاه عباس از کلیسای آن به غنیمت گرفته شده است. کتاب‌های این صندوق‌ها، بیش‌تر به زبان‌های آلمانی و فرانسوی است. قسمتی از کتاب‌های خارجی از غارت خانه سفیر «هلستن» در هفتاد سال قبل از این به دست آمده است» (شاردن، ۱۳۷۵: ۱۴۴۸/۴-۱۴۴۷؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۴۷: ۳۸۱).

کتابخانه سلطنتی

طبق اطلاعات به دست آمده، کتابخانه سلطنتی از دوره مغولان و یا مکتب تبریز ایلخانی، دارای دو بخش عمده بود. بخش مربوط به کتابداری و حفظ و نگهداری کتابها و بخش مربوط به کارگاه هنری که در آن شماری از هنرمندان از هر سنخ مشغول کار و تولید کتاب بودند. از اطلاعات جسته و گریخته منابع راجع به کارگاه هنری پیداست، هنرمندان در این بخش بر اساس تخصص و کار کارشناسی طبقه‌بندی شده و هر کدام یا گروه‌هایی از آنها در حجره‌های خاصی در کار و پیشه خود، پروژه‌های هنری دربار را پیش می‌بردند. یکی از این حجره‌ها یا بخش‌های زیر مجموعه کارگاه هنری، جایی بوده که نقاشان (نگارگران و طراحان) در آنجا کار می‌کردند. از قراین پیداست که جایگاه ویژه نقاشان در کارگاه هنری کتابخانه سلطنتی، مخصوصاً در مکتب هرات، «صورتخانه»^۱ نامیده می‌شد.

اصطلاح صورتخانه ظاهراً تا اوایل صفوی به کار می‌رفته، چنان که «عبدی بیک شیرازی» در «دوحه الازهارم» خود چند جا از این اصطلاح استفاده کرده است:

به هر جانب ز صورت‌های شیرین شده منسوخ صورتخانه چین
در یکی از کتیبه‌های دیوار نگاره «کاخ نایین» که از نیمه دوم سده دهم هجری است، اصطلاح صورتخانه، گرچه به گونه‌ای توصیفی به کار رفته، ولی همان معنی را مستفاد می‌کند:

ز غم بر یاد رخسارت به صورتخانه به هر صورت که بود آنجا دل خود شاد
می‌رفتم می‌کردم

در کارگاه هنری کتابخانه سلطنتی صفویان، شماری از نقاشان، کاتبان، مذهبیان، زرکوبان، مجلدان، جدول‌کشان، لاجوردشویان، حل‌کاران، کاغذگران، مقرض‌گران (محتویات نویسان)، صحافان، باصماچیان (باغیان در زبان روسی) و غیره مشغول کار بودند. کار نقاشان و طراحان و فضالان (طراحان فصل پرداز در نگاره‌ها) علاوه بر کتاب آرابی نسخه‌های گوناگون، تهیه طرح‌هایی برای استفاده قالی‌بافان، نساجان، فلزکاران، کاشی‌بزان، صدف‌تراشان، معماران و غیره بود. هنگامی که شاه طهماسب در دهه ۹۶۰ ه. ق. از هنر پروری و حمایت هنرها و هنرمندان دست کشید، تشکیلات نقاش‌خانه به هم خورد (اسکندربیک منشی، ۱۳۵۰: ۱۷۴/۱).

شماری از هنرمندان (میر مصور، میر سیدعلی، عبدالصمد شیرازی، دوست محمد هروی) عازم دربار گورکانیان هند شدند. تعدادی (شاه محمود نیشابوری، رستم‌علی، سلطان محمد خندان، عبدالله شیرازی، آقا میرک اصفهانی، مظفرعلی و میرزا علی) هم به مشهد نزد «ابراهیم میرزا» رفتند تا در کتابخانه او کار کنند. بعضی دیگر (صادقی بیک افشار) قلندری پیشه کردند و به سیر و

۵- صورتخانه مکانی بود که علاوه بر حضور خود نقاشان و طراحان، امکانات خاص نقاشی و طراحی به ویژه نقوش و طراحی‌ها و الگوهای گوناگون در آن نگهداری می‌شد که در شرایط مقتضی در اختیار نقاشان قرار می‌گرفت.

سیاحت در چهار گوشه جهان آن روزگار پرداختند. شماری هم مانند، «میر زین‌العابدین» و «عبدالجبار» برای خود کارگاه خصوصی به راه انداختند و به کتاب آرایی برای اعیان و اشراف و یا تهیه نگاره‌های تک برگی پرداختند. بعید نیست بعضی از هنرمندان هم عازم شیراز شده باشند تا در کارگاه‌های خصوصی این شهر کار کنند.

با روی کار آمدن شاه اسماعیل دوم و علاقه‌ای که او به سازماندهی نقاش‌خانه از خود نشان داد، بار دیگر هنرمندان از چهار گوشه ایران در کتابخانه سلطنتی قزوین گرد آمده و به کتاب آرایی و نقاشی پرداختند.

«صادقی بیک افشار، سیاوش گرجی و برادر او فرخ بیک، زین‌العابدین نوه سلطان محمد تبریزی، مولانا شیخ محمد سبزواری، مولانا علی‌اصغر کاشی و فرزند جوان او آقا رضا، مولانا عبدالجبار نیشابوری، مولانا حسن بغدادی مذهب، محمد هروی، مولانا عبدالله شیرازی، قصری بیک کوسه، نقدی بیک، مهربابرجی، مراد دیلمی، میر سید احمد مشهدی خوش‌نویس و مولانا محمدحسین خطاط از جمله این هنرمندان بودند که به نقاش‌خانه همایونی رونقی دگر باره بخشیدند.

اما در نهایت تأسف، نقاش‌خانه پس از مرگ شاه اسماعیل دوم (۹۸۴ ه.ق.) بار دیگر از رونق افتاد و سلطان محمد خدابنده چندان عنایتی بدان نکرد. بعد از او فرزندش «حمزه میرزا» بود که از هنرمندان حمایت به عمل آورد؛ چنان که سیاوش گرجی و برادر او فرخ بیک در سلک معتمدان و هنرمندان او درآمدند (اسکندربیک منشی، ۱۳۵۰: ۱۷۶/۱).

ظاهراً در این دوره فترت، مولانا علی‌اصغر کاشی همراه فرزندش آقا رضا به خراسان مهاجرت می‌کند و در هرات به عباس میرزا می‌پیوندد. لکن، بعدها همراه او به قزوین باز گشته و با شکل‌گیری دوباره نقاش‌خانه سلطنتی، در آن به کار می‌پردازند.

کتابخانه سلطنتی و نقاش‌خانه درون آن هم با شروع سلطنت شاه عباس اول در سال ۹۹۶ ه.ق. انتظامی دوباره یافته و صادقی بیک افشار در صدر آن قرار می‌گیرد.

صادقی بیک تا سال ۱۰۰۷ ه.ق. منصب کتابدار خاصه را بر عهده داشت و در این سال، علی‌رضا تبریزی خوش‌نویس، جای او را گرفت. اما صادقی بیک، تا آخر عمر از «دیوان اعلی» مواجب کتابداری می‌گرفت (آژند، ۱۳۹۱: ۹۹-۹۶).

نمودار تشکیلات اجرایی نقاشخانه (آزند، ۱۳۹۱: ۱۰۶)



گفتنی است که در تشکیلات یاد شده، نقاش‌خانه اغلب اوقات در زیر مجموعه کتابخانه سلطنتی قرار داشته و کتابداری‌اش علاوه بر نظارت بر کل موجودی کتابخانه، بر جریان تولید کتاب، هنرهای کتاب آرایی و دیگر فعالیت‌های نقاشان و هنرمندانی که در نقاش‌خانه گرد آمده بودند، نظارت داشت. در حقیقت نقاش‌باشی در قبال او، مسئول و جواب‌گو، و به نوبه خود کتابداری‌اش هم در مقابل ناظر بیوتات مسئولیت داشت (شاردن، ۱۳۷۵: ۴/۱۴۲۱).

کلانتران کتابخانه سلطنتی

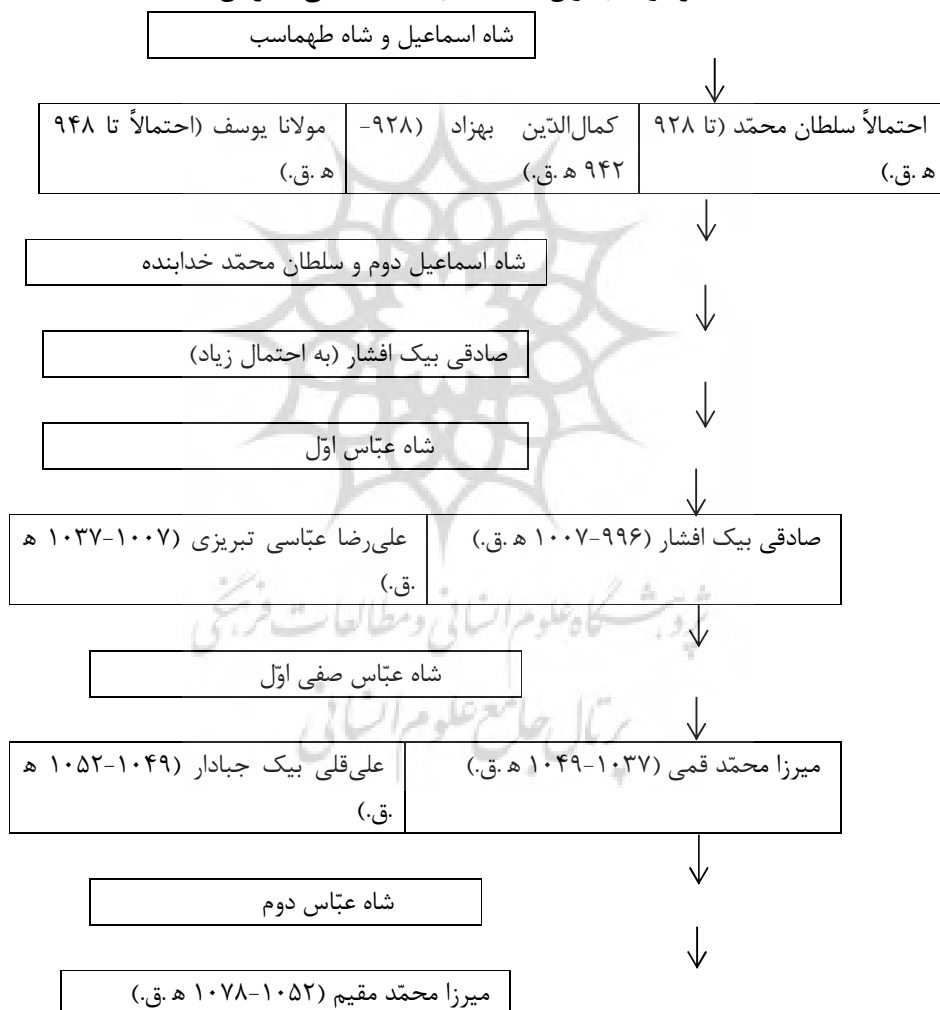
در بین کتابخانه‌های عصر صفوی، کتابخانه سلطنتی موقعیت خاصی داشت. این کتابخانه در مجموعه دربار با مجاورت کارگاه صحافی ساخته شده بود. اندازه اتاق کتابخانه به درازای بیست و دو پا و پهنای یک پا بود. دیوارهایش را با رف‌هایی به عمق پانزده انگشت پوشانده، و در این رف‌ها، کتاب‌ها به نسبت طول و عرض و حجم آن‌ها و بدون توجه به موضوع و محتویات آن‌ها روی هم چیده شده بودند.

بر روی رف‌های پر از کتاب، پرده کشیده، به طوری که کتاب‌ها پنهان شده بودند؛ چنان‌که در موقع ورود به کتابخانه، چیزی جز پرده دیده نمی‌شد.

دو ردیف صندوق‌های پر از کتاب هم در کنار دیوار وجود داشت که ارتفاع هر کدام چهار پا می‌شد. کتاب‌ها کلاً فارسی، عربی، ترکی و گاهی به خط کوفی بود. در کتابخانه دو صندوق محتوی

کتاب‌های اروپایی نیز مشاهده می‌شد که در هر کدام پنجاه یا شصت مجلد کتاب نگه‌داری می‌شد. بعضی از آن‌ها، کتب دینی و یا تاریخی و ریاضی بود (شاردن، ۱۳۷۵: ۱۴۴۸/۴-۱۴۴۷). کتاب‌های دینی را از غارت جزیرهٔ هرمز و کتاب‌های تاریخی و ریاضی را از تاراج خانهٔ «بروگمان»، سفیر هلشتاین، به دست آورده بودند. کمپفر تعداد کتاب‌های موجود در کتابخانهٔ سلطنتی را نه تا ده هزار نسخه می‌نویسد (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۵۰). با توجه به روایات حاصل آمده، می‌توان کتابداران کتابخانهٔ سلطنتی صفویان را از آغاز تا دورهٔ شاه سلیمان در نمودار زیر نشان داد (آژند، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۹۹).

نمودار کتابداران خاصهٔ کتابخانهٔ سلطنتی صفویان



کتابخانه مدرسه چهار باغ

یکی از مدارس مهم اصفهان که در اواسط دوره سلطنت شاه سلطان حسین صفوی، در فاصله سال‌های ۱۱۲۶-۱۱۱۶ ه. ق. ساخته شد، و البته از سال ۱۱۲۱ درس و بحث در آن آغاز گردید؛ مدرسه چهار باغ، یا مدرسه سلطانی اصفهان است. مدرسه‌ای که خود شاه نیز حجره‌هایی از آن را به خود اختصاص داده بود. شاه صفوی پس از بنای مدرسه، کتابخانه‌ای نیز برای آن بنا کرد و خود به وقف شماری کتاب جهت آن همت گماشت. اما تعداد موقوفات شاه چندان فراوان نبود، لذا قاعدتاً باید کسان دیگری نیز دست به این اقدام زده باشند.

از آن‌جا که بنای این مدرسه در اواخر عصر صفوی بود، لذا نباید در آن دوره، کتابخانه‌آن مدرسه توسعه فراوانی یافته باشد. با این حال، شاه جهت کتابخانه وقف‌نامه ویژه‌ای تنظیم کرده که قواعد استفاده از کتاب‌ها نیز در آن آمده است.

در وقف نامه بلند مدرسه چهار باغ، ضمن اشاره به مخارج مدرسه از هر جهت، از مخارج کتابدار مدرسه نیز یاد شده است. از جمله هفت تومان (سالانه) برای کتابدار معین شده است (سپنتا، ۱۳۴۴: ۱۶۷؛ جعفریان، ۱۳۸۹: ۷۴۶/۲-۷۴۴).

کتابخانه مدرسه ذوالفقار اصفهان

بر اساس کتیبه‌ای که در آن‌جا قرار دارد، مشخص شده بانی این مدرسه شیخ محمد صفی می‌باشد. این مدرسه طلبه نشین که از مدارس قدیمی اصفهان بوده و به نام مدرسه ذوالفقار نیز شناخته می‌شود، در زمان شاه طهماسب اول به سال ۹۵۰ ه. ق. بنا گشته است (مه‌دوی، ۱۳۸۶: ۳۲۹-۴۸).

کتابخانه مدرسه خان شیراز

امام قلی‌خان به سال ۱۰۲۴ ه. ق. این مدرسه را بنا کرده و موقوفات بسیاری برای اداره امور کتابخانه و مدرسه وقف کرد (دیولافوا، ۱۳۹۰: ۵۱۷-۵۱۶؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۰: ۲۲۱؛ حسینی فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۹۵؛ حسینی فسائی، ۱۳۶۷: ۱۲۲۲/۲؛ رویمر، ۱۳۸۰: ۲۸۵؛ موسویان، ۱۳۸۷: ۳۱۵؛ وکیلان، ۱۳۹۰: ۵۸-۵۹؛ به‌روزی، ۱۳۵۴: ۲۲۵).

کتابخانه مدرسه گنج‌علی خان کرمان

گنج‌علی خان که از طرف شاه عباس بزرگ حکومت کرمان را داشت، در سال ۱۰۰۷ ه. ق. مدرسه بزرگی در کرمان ساخت و برای آن نیز کتابخانه قابل توجهی فراهم آورد (موسویان، ۱۳۸۷: ۳۱۵).

کتابخانه مدرسه زینل بن زکریای عباسی

زینل بن زکریای عباسی، از امرای دانشمند زمان شاه عباس و از دودمان صفوی بوده که از طرف شاه عباس به «خطاب عباسی» مفتخر گردیده بود.

این مرد دانشمند در اصفهان کتابخانه‌ای فراهم آورد و خوش‌نویسان را بر آن داشت که برای کتابخانه‌اش نسخه‌هایی را رو نویسی کنند. کتاب‌های کتابخانه او همه به مهر «عبدۀ زینل بن زکریای عباسی ۱۰۲۹» ممه‌وراند؛ از جمله این کتاب‌ها می‌توان «حاشیه بر نفحات‌الانس» اثر رضی‌الدین لاری (ملاً عبدالغفور) را که متعلق به کتابخانه مجلس شورای ملی است، یاد کرد (همایون‌فرخ، ۱۳۴۷: ۱۳۷/۲).

کتابخانه‌های شخصی

اندیشه کتابخانه شخصی در همان زمان (عصر صفوی) نیز در ایران قوی بود. شاید به دلیل بی‌اعتمادی به کتابخانه عمومی و نبود یک شیوه منظم برای ارائه کتاب به مردم، این اندیشه تقویت شده بود. به هر طریق، بخش مهمی از کتابخانه‌های دوره صفوی را کتابخانه‌های شخصی تشکیل می‌دادند که افراد علاقمند با سرمایه خود، عمری را در گردآوری آن‌ها صرف کرده بودند. از این نمونه می‌توان به کتابخانه «افندی»، «شیخ فاضل هندی» و یا «مرحوم مجلسی» اشاره داشت. این کتابخانه‌ها به رغم اهمیتی که داشتند، یا بین وراثت تقسیم می‌شد و یا به دلایلی فروخته می‌شد. علت دیگر برای نابودی این کتابخانه‌ها، حمله افغان‌ها و ویرانی‌های ناشی از این حملات تا استقرار دولت قاجاری بود. چنان‌که «خزین» در شرح حال خود، از این دلیل به خوبی یاد کرده است (جعفریان، ۱۳۸۹: ۷۴۸-۷۵۲/۲).

کتابخانه ابن خاتون (محمد بن علی) اصفهان: محمد بن علی معروف به ابن خاتون از مشاهیر دانشمندان دوران شاه عباس کبیر است. این دانشمند کتابخانه معظمی در اصفهان داشت. پس از این‌که ازبکان به کتابخانه آستان قدس دستبرد زده و کتابخانه را به وضع نامطلوبی درآوردند، شاه عباس همت به جمع‌آوری کتاب برای کتابخانه آستانه مبذول داشته و خود مقداری کتاب برای آن تقدیم داشت. این دانشمند نیز به تبعیت از شاه عباس بزرگ در سال ۱۰۲۸ ه. ق. تعدادی از کتب نفیس کتابخانه‌اش را به کتابخانه آستان قدس اهدا کرد. از جمله کتابخانه شماره (۵۷۴۰) کتابخانه آستان قدس نشان از این حاکت دارد (همایون‌فرخ، ۱۳۴۷: ۱۳۷/۲).

کتابخانه شیخ بهائی اصفهان: شیخ بهاء‌الدین عاملی از اَجَله دانشمندان، متفکران، نویسندگان و سخنوران نامی ایران و معاصر با شاه عباس بزرگ است که شاه عباس بزرگ نسبت به این دانشمند ارجمند، نهایت درجه اعزاز و اکرام روا می‌داشت.

پس از این‌که ازبکان شهر مشهد را تاراج کردند و نفایس کتابخانه آستان قدس را به غارت بردند، شاه عباس بزرگ بعد از سرکوبی ازبکان برای احیای کتابخانه آستانه، شیخ بهائی را مأمور کرد که به جمع‌آوری کتاب‌های تاراج شده بپردازد. وی وجوهی نیز برای خرید کتاب در اختیار شیخ گذاشت. شیخ بهائی مدت دو سال برای انجام این مهم وقت صرف کرد و تعدادی از کتاب‌های نفیس کتابخانه‌اش را نیز به کتابخانه آستانه تقدیم داشت که هم اکنون نیز بسیاری از آن‌ها موجود است.

علاوه بر این، در کتابخانه مجلس شورای ملی، آثاری به خط خود شیخ بهائی هنوز نیز محفوظ است.

عبدالله افندی کسی است که ضمن شرح حال ظهرالدین ابراهیم ابن قوام‌الدین حسین همدانی، از کتابخانه معظم شیخ بهائی یاد می‌کند (مهدوی، ۱۳۸۶: ۳۲۹-۴۸).

کتابخانه کلیسای وانگ جلفا (اصفهان): کلیسای وانگ جلفای اصفهان که در زمان شاه عباس کبیر بنیاد نهاده شده، ارمنیان ایران از همان ابتدای بنا، کتابخانه‌ای برای آن ترتیب داده‌اند. خوشبختانه این کلیسا و کتابخانه تاکنون از دستبرد حوادث زمان مصون و محفوظ مانده است. در کتابخانه کلیسای وانگ از کتاب‌های (مذهبی، علمی و ادبی) مخلوط ارمنی متعلق به قرن هفتم و هشتم ه.ق. به بعد نگهداری می‌شد. این کتاب‌ها هم اکنون نیز موجود و از نظر قدمت و کمیابی بسیار نفیس و گرانبه هستند (سپنتا، ۱۳۴۴: ۱۷).

کتابخانه فرهادخان معتمدالدوله (اصفهان): فرهادخان از امرای شاه عباس کبیر است که مدت‌ها حکومت خراسان و سپس مازندران را داشته است. این امیر نیز علاقه و عشقی وافر به کتاب داشته که بر آن اساس کتابخانه اختصاصی قابل توجهی فراهم آورده بود. علیرضای عباسی در آغاز کار مدت دو سال برای کتابخانه او کار کرد. نقل است سلطان حسین باختری از خوشنویسان معروف، سمت کتابداری کتابخانه فرهاد خان را داشته است (همایون‌فرخ، ۱۳۴۷: ۱۳۹/۲).

کتابخانه امام قلی‌خان فرمانروای فارس (شیراز): امام قلی‌خان امیر الامرای فارس از علاقه‌مندان به کتاب و هنر بود. او در شیراز برای استنساخ و تهیه کتاب‌های تزئینی دارالصنایعی به وجود آورد که در این دارالصنایع خطاطان و مصوران و مذهبان به نامی به کار اشتغال داشتند. از مشاهیر هنرمندان دارالصنایع شیراز می‌توان از «حکیم لایق، ملا یگانه، ملا مفید و ملا ترابی» نام برد.

کتابخانه امام قلی‌خان از کتابخانه‌های عظیم و کم نظیر دوران صفویه به شمار می‌آید (دیولافوا، ۱۳۹۰: ۵۱۶-۵۱۷؛ دانش‌پژوه، ۱۳۸۰: ۲۲۱؛ حسینی‌فرصت‌الدوله‌شیرازی، ۱۳۶۲: ۴۹۵؛ حسینی‌فسائی، ۱۳۶۷: ۱۲۲۲/۲ موسویان، ۱۳۸۷: ۳۱۵؛ وکیلیان، ۱۳۹۰: ۵۸-۵۹؛ بهروزی، ۱۳۵۴: ۲۲۵).

کتابخانه میرزا محمدطاهر قمی: این دانشمند از محدثان معروف است که «مباحثه‌النفس» از جمله تألیفات اوست. کتاب‌های کتابخانه این دانشمند همه مهربانانه او را دارند که تاریخ ۱۰۵۰ ه.ق. را نشان می‌دهند (هیأت مؤلفان، ۱۳۸۲: ۱۳۲-۱۷۴/۱۴).

کتابخانه معیل‌بن‌محمد مدعوبه بکوچک چلبی: کتاب‌های بسیاری متعلق به این دودمان دیده شده است؛ از جمله کتاب «حلبه‌الکمیث شمس‌الدین محمد تواجی» متعلق به کتابخانه فخرالدین نصیری امینی است (همایون‌فرخ، ۱۳۴۷: ۱۴۰/۲).

کتابخانه شخصی فاضل هندی

«بوالفضل بهاء‌الدین محمد بن حسن اصفهانی»، مشهور به «فاضل هندی»، از چهره‌های برجسته علمی عهد اخیر صفوی، و در شمار فقیهان بلند پایه مکتب «امامیه» در این دوره است. وی با تألیف کتاب ارجمند «کشف اللثام» و دیگر آثار، موقعیت خویش را به عنوان فقیهی مبرز، در تاریخ اجتهاد شیعه پایدار ساخت.

این کتابخانه مبرز، گرچه چندان گسترده نبوده، اما به دو دلیل عمده، نام شماری از کتاب‌های وی به یادگار بر جای مانده است. علت نخست، اقدام «میرزا عبدالله افندی» هست که هر کجا کتاب مهمی را دیده، نامش را ثبت کرده است. دیگری، در نامه‌ای که «ملاً ذوالفقار» از شاگردان علامه مجلسی به ایشان نوشته و اسامی برخی از کتاب‌هایی که در کتابخانه فاضل بود، به وی یادآور شده است.

چند کتاب دیگر هم در برخی از کتابخانه‌ها باقی مانده است. به طور یقین، کتابخانه‌های شخصی فراوانی در این دوره بود که اسامی کتاب‌های آن بر جای مانده است. طبعاً این مورد، نمونه خوبی برای این ادعاست.

فهرست کتاب‌هایی که از کتابخانه فاضل هندی به دست آمده، به قرار زیر است:

- ۱- **التحصیل از بهمنیار:** نسخه‌ای از این کتاب که به دستور فاضل هندی کتابت شده، با یادداشتی که از وی بر روی آن دیده می‌شود، در اختیار هست.
- ۲- **شرح تفتازانی بر شرح عضدی:** از این کتاب نیز نسخه‌ای در مالکیت فاضل هندی بوده که اکنون در کتابخانه مدرسه شهید مطهری نگهداری می‌شود.
- ۳- **مجموعه رسائل ابن فهد:** مجموعه‌ای از رساله‌های ابن فهد حلی در کتابخانه مجلس موجود است که یادداشت فاضل هندی بر روی آن بوده و مهر «لک البهاء کله ۱۰۸۸» ه. ق. بر روی آن است.
- ۴- **مسئله أداء الفریضة لمن علیه قضاء الصلاة:** نسخه‌ای از این رساله را که از آن «منتجب الدین» است، افندی نزد فاضل هندی دیده است.
- ۵- **الابانه عن سرقات المتنبي:** به نقل صاحب روضات، ایشان صاحب نسخه‌ای از این کتاب است که فاضل هندی آن را مطالعه کرده و حواشی چندی به خط شریف وی بر آن موجود است.
- ۶- **شواهد التنزیل حسکانی:** صاحب ریاض می‌نویسد که نسخه‌ای از این کتاب را نزد فاضل هندی دیده است.
- ۷- **حاشیه قواعد الاسلام از الهی اردبیلی:** نسخه‌ای از این رساله نزد فاضل هندی بوده، که مورد تصدیق افندی است.

- ۸- شرح الفیه شهید از حسین بن عبد الصمد: به نقل افندی، نسخه‌ای از آن را فاضل هندی نزد خود نگه می‌داشت.
- ۹- مناسک الحج از شهید ثانی: افندی، نسخه‌ای از این رساله را در مجموعه‌ای نزد فاضل هندی رویت کرده است.
- ۱۰- شرح ارشاد الاذهان، از مقدّس اردبیلی: افندی از پشت این کتاب، یادداشتی از فاضل هندی نقل کرده که شهید، رساله‌ای با عنوان «رساله فی من سافر الی ما دون المسافه من مکان نوی فیه اقامه عشره آیام» داشته و مقدّس اردبیلی حاشیه‌ای بر آن نگاشته است.
- ۱۱- تلخیص کتاب المراسم العلویة از محقق حلّی: فاضل، آن را به درخواست برخی شاگردانش نوشته است. این کتاب توسط افندی تأیید شده است.
- ۱۲- حاشیه علی الفیه شهید، از عبد العالی بن علی کرکی: مورد امعان نظر افندی قرار گرفته است.
- ۱۳- معارج السؤول و مدارج المأمول از کمال الدین حسن نجفی: افندی دو نسخه از این کتاب را که نزد فاضل هندی بوده و او غافل از مؤلف آن بوده، اظهار شگفتی می‌کند.
- ۱۴- نهایه الفقه از علامه حلّی: افندی نسخه‌ای از این کتاب را که تا بحث «زکاة الفطره» بوده، نزد فاضل هندی مطالعه کرده است.
- ۱۵- الهادی الی الرشاد فی شرح الارشاد: افندی احتمال داده که شارح این کتاب، «شیخ ابراهیم قطیفی» بوده که در شرح «ارشاد الاذهان علامه» نوشته شده است. مؤلف این کتاب نیز برای فاضل هندی ناشناخته بوده است.
- ۱۶- شرح ارشاد الاذهان از فخر المحققین: نسخه‌ای از این کتاب را افندی در کتابخانه فاضل هندی به چشم خود دیده است.
- ۱۷- کحل الابصار: نسخه‌ای از این کتاب که در مالکیت «رفیع الدین محمد حسینی» بوده، پس از مرگش توسط دو خواهرش خدیجه سلطان بیگم و صفیه سلطان بیگم وقف و تولیت آن به فاضل هندی سپرده شده، و طبعاً در کتابخانه ایشان قرار گرفته است.
- ۱۸- قواعد الاحکام از علامه حلّی: نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه فاضل هندی موجود بوده است. بیان شده که کاتب آن «شیخ حسن بن راشد حلّی» می‌باشد.
- ۱۹- معالم الاصول از حسن بن شهید ثانی: نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه فاضل هندی و افندی آن را مشاهده نموده است (جعفریان، ۱۳۸۹: ۷۵۸/۲-۷۵۴).
- سایر نسخه‌های این کتابخانه در نامه «ملا ذوالفقار» به «علامه مجلسی» جهت استفاده علامه برای تألیف «بحار الانوار» آمده است که رسول جعفریان بدان‌ها اشاره‌ای داشته است (جعفریان، ۱۳۸۹: ۷۶۱/۲-۷۵۸).

کتاب‌های مورد استفاده در دوران صفوی

صرف و نحو عربی، معانی، بیان و لغت: کتاب «سیبویه» در صرف و نحو، «کامل المبرد» در صرف و نحو و ادب، نصاب ابونصر فراهی، خطب نهج البلاغه حضرت امیر، شرح امتله سید شریف جرجانی در نحو، انموذج زمخشری در نحو، الفیه ابن مالک در صرف و نحو و شرح آن توسط جلال‌الدین سیوطی، شرح جامی در نحو، مغنی ابن هشام در نحو عالی، تلخیص المفتاح در معانی و بیان تألیف عبدالرحمن خطیب قزوینی و مطول که شرح آن است؛ تألیف ملا سعد تفتازانی، مصباح مطرزی در صرف و نحو.

منطق: حاشیه ملا عبدالله یزدی بر تهذیب المنطق، کبری میر سید شریف جرجانی، شمسیه کاتبی قزوینی، شرح شمسیه ملا قطب رازی، شرح شمسیه ملا سعد تفتازانی، مطالع قاضی ارموی، شرح مطالع قطب رازی.

کلام: باب حادی عشر علامه حلی، شرح تجرید علامه حلی، شرح تجرید ملاعلی قوشچی، شوارق ملا عبدالرزاق لاهیجی، مواقف قاضی عضالدین ایجی، شرح مواقف میر سید شریف جرجانی. **درایه:** (درایه به معنی، شرح حال راویان حدیث و چگونگی روایت آن) بدایه شیخ بهایی، وجیزه امام محمد غزالی، رواشع میرداماد.

فقه: تبصره علامه حلی، شرایع الاسلام محقق اول، لمعه شهید اول محمد بن مکی، شرح لمعه شهید ثانی شیخ زین‌الدین مکاسب شیخ مرتضی انصاری، وسیط امام محمد غزالی.

اصول: معالم الاصول شیخ حسن بن شهید ثانی، فصول شیخ حسین اصفهانی، قوانین الاصول میرزا ابوالقاسم قمی، رسائل شیخ مرتضی انصاری.

تفسیر: تفسیر ابوالفتوح رازی، کشف زمخشری، مجمع البیان طبرسی، تفسیر بیضاوی.

ریاضی: تحریر اقلیدس خواجه نصیرالدین طوسی، خلاصه الحساب شیخ بهایی، حساب غیاث‌الدین جمشید کاشانی، هیئت ملاعلی قوشچی، تفهیم ابوریحان بیرونی در هیئت، شرح چغمینی در هیئت، شرح تذکره خواجه نصیرالدین در هیئت، مجسطی خواجه نصیرالدین در هیئت.

حکمت: شفای ابن سینا، هدایه اثیرالدین ابهری، شرح هدایه میبدی، شرح اشارات ابن سینا تألیف خواجه نصیرالدین طوسی، اسفار ملا صدرا، شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری (راوندی)، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳-۱۲۱).

ترسل: ایرانیان یک کتاب معلوم و مخصوصی دارند که مشتمل بر عناوین اشخاص، از پیشه‌ور تا شاهنشاه است. این کتاب «ترسل» نام دارد که به معنای روش یا قاعده است. مُنشیان و مُترسلان محتویات آن را از بر دارند. شواهد استفاده از محتویات این کتاب به شرح ذیل در سفرنامه شاردن اشاره شده است:

یکی از آداب بیان ایرانیان آن است که همیشه هنگام گفتار خواه از خویشتن صحبت کنند و خواه از دیگران، از ضمائر و افعال سوم شخص مفرد غایب استفاده می‌کنند. تقریباً این طرز بیان با زبان آلمانی تشابه زیادی دارد. (شاردن، ۱۳۷۵: ۷۷۲/۲) اما احتمال آن می‌رود که بیش‌تر این کتب در شهر شیراز کتابت شده باشند؛ چرا که کاتبان حدود چهل کتاب که اغلب در شیراز نسخه برداری شده و حالت مصوری دارند، از نام «شیخ مرشدالدین محمد» و کنیه «مرشدی» استفاده کرده‌اند. این استناد، معمولاً به یکی از اشکال «شیخ مرشد، شیخ مرشدالدین محمد الکاتب شیرازی، شیخ مرشد الکاتب الشیرازی یا مرشد الکاتب العطار شیرازی» بوده است. نمونه‌هایی از این آثار تصویری را می‌توان در کتب «خمسۀ نظامی، ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی و آثار سعدی» به عینه مشاهده کرد (شیلاکنبی، ۱۳۸۵: ۸۲-۸۱).

نتیجه‌گیری:

بر اساس مطالعه انجام شده مشخص و معین شد:

- ۱- سابقه کتابت، استنساخ و کتابداری، حکایت از دوران قبل از صفویه دارد.
 - ۲- بیش‌تر کتابخانه‌های موجود عصر صفوی اختصاص به شاهان و حاکمان داشت.
 - ۳- در هر دوره‌ای که شاه و حاکم منطقه تربیت یافته مکتب بزرگان بود، به تبع آن به امور کتاب و کتابخانه عنایت ویژه‌ای می‌شد.
 - ۴- استنساخ کتب معمولاً در گذشته به طور عمد و یا سهو مشهود هست؛ لذا، برای سندیت داشتن متن مورد استفاده از کتب دست‌نویس، باید تطبیق چندین آثار مشابه صورت پذیرد.
 - ۵- بسیاری از آثار نفیس و نادر کشور توسط استعمارگران خارجی به یغما رفته و در کتابخانه‌ها و موزه‌های آن‌ها جای گرفته است. برای دستیابی و اطلاع از متون این آثار ارزشمند، مراجعه به این اماکن ضروری و اجتناب ناپذیر هست.
 - ۶- استنساخ و کتاب نویسی عصر صفوی نوعی شغل محسوب می‌شد.
 - ۷- نیاکان و اجداد ایرانی عصر صفوی، به کتاب و مطالعه علاقه داشتند.
 - ۸- کتاب و کتابخانه در شهرهای وسیع و به خصوصی چون تبریز، اصفهان، شیراز، کرمان و غیره که چون اماکن بزرگ مانند قصر، مدارس و افراد متمول در آن‌ها وجود داشت، ایجاد و نگهداری می‌شد.
 - ۹- وقف یکی از طرق تجمیع و انباشت کتاب در کتابخانه‌ها به شمار می‌آمد.
- بنابراین، بر پایه یافته‌های فوق می‌توان استدلال و اظهار داشت، آشکار است که هر اندازه که استنساخ کتاب در آن زمان فراوان بود، اما برای بسیاری از اقشار جامعه، فراهم کردن چنین کتاب‌هایی سهل نبود. بدین سبب، کتابخانه‌های شخصی هم نمی‌توانست از حد معدودی فراتر رود.

از طرفی، کتاب و کتابخوانی محدود به افراد و اشخاص خاصی از جامعه می‌شد. یعنی، عموم مردم هنوز آن غنای فکری لازم را نداشتند که بتوانند برای افزایش آگاهی و حیات مدبرانه خود از کتاب و مطالعه بهره‌مند شوند.

غیر از این‌که همه شاهان صفویه کتابخانه‌ای داشته‌اند، بلکه شاهزادگان نیز کتابخانه مخصوصی را برای خود تأسیس نموده بودند. اما علت این‌که بیش‌تر سیاحان خارجی سخنی از این کتابخانه‌ها به میان نیاورده‌اند، شاید به سبب عدم دسترسی به این مکان‌ها و یا عدم علاقه و اطلاع از وجود چنین مراکزی بوده است.

منابع و مأخذ

- آژند، یعقوب (۱۳۹۱)، از کارگاه تا دانشگاه، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- بهروزی، علی‌نقی (۱۳۵۴)، بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز از دوره هخامنشیان تا عصر پهلوی، شیراز: انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی فرصت‌الدوله شیرازی، سید محمدنصیر (۱۳۶۲)، آثار العجم، ترجمه هیأت مؤلفان، تهران: انتشارات فرهنگسرا.
- حسینی فسائی، حسن بن حسن (۱۳۶۷)، فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسائی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حسینی قزوینی، یحیی بن عبداللطیف (۱۳۸۶)، لب‌التواریخ، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- دانش پژوه، منوچهر (۱۳۸۰)، سفرنامه، ج ۱، تهران: انتشارات ثالث.
- دلاواله، پیتر (۱۳۷۰)، سفرنامه پیتر دلاواله، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دیولافوا، ژان (۱۳۹۰)، سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه همایون فره‌وشی، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- رازی، احد و صمدی‌راد، بهرام (۱۳۸۵)، اخلاق، تاریخ و قوانین پزشکی، تبریز: انتشارات اختر و هاشمی سودمند.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۳)، سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، تهران: انتشارات نگاه.
- رویمر، ه. ر (۱۳۸۰)، تاریخ ایران دوره صفویان، پژوهش از دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات جامی.
- سام، صفوی (۱۳۸۹)، تذکره تحفه سامی، تهران: انتشارات سامی.

- سپنتا، عبدالحسین (۱۳۴۴)، موزه وانک، تهران: مجله وحید، سال دوم.
- سیوری، راجر (۱۳۷۲)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، انتشارات مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۷۵)، سفرنامه شاردن، ج ۲ و ۴، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: انتشارات توس.
- صفوی، بابا (۱۳۷۱)، اردبیل در گذرگاه تاریخ، ج ۱-۳، اردبیل: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، سفرنامه کمپفر به ایران، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- کنبی، شیدا (۱۳۸۸)، هنر و معماری صفویه، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- هیأت مؤلفان ماهنامه کوثر (۱۳۸۲)، ستارگان حرم، ج ۱۴، قم: زائر آستانه مقدسه.
- منشی، اسکندر بیگ ترکمان (۱۳۵۰)، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- موسوی اردبیلی، فخرالدین (۱۳۴۷)، تاریخ اردبیل و دانشمندان، جلد اول، بی‌جا.
- موسویان، سید محمد (۱۳۸۷)، اصول و مبانی در طراحی معماری و شهرسازی، چاپ سوم، تهران: انتشارات آدرخش.
- مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۸۶)، اصفهان دارالعلم شرق - مدارس دینی اصفهان، اصفهان: انتشارات سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- وکیلان، منوچهر (۱۳۹۰)، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- همایون فرخ، رکن‌الدین (۱۳۴۷)، کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران از صدر اسلام تا عصر کنونی، ج ۲ تهران: وزارت فرهنگ و هنر.



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته
پرتال جامع علوم انساني